

ارائه شده توسط

## لینگو لرن | Lingo Learn

برترین ارائه دهنده خدمات کمک آموزشی کانون زبان شامل: سوال و سامری، دیکشنری کانون، آموزش های رایگان و کاربردی و...

 LingoLearn\_official

 LingoLearn

{هرگونه کپی برداری بدون ذکر نام صاحب اثر شرعا و قانونا حرام و قابل پیگیری می باشد.}

### Going to Extremes?

رفتن به بی نهایت ها؟/ افراط کردن؟

A pickup truck rolls to the center of a **deserted** bridge. Several people get out. Two of them, a thirty-something young man and a twenty-something young woman, are both wearing a strange-looking **harness** on their backs. The others with them check their **harnesses** to make sure all is well.

یک وانت باربری در مرکز پلی خلوت میپیچد. چندیدن نفر بیرون میروند. دو نفر از آنها، یک مرد سی و چند ساله و یک زن بیست و چند ساله، هر دو افسار با شکلی عجیب بر پشت هایشان پوشیده اند. بقیه ی افراد همراه آنها افسار هایشان را چک میکنند تا مطمئن شوند همه چیز خوب است.

As soon as they complete these preparations, they attach a long cord to each **harness** and securely fasten the cords to the bridge. When that is finished, the young man and woman climb up onto the bridge rail, wave to the crowd below, and jump.

به محض اینکه آن ها این آماده شدن هایشان را کامل میکنند، طنابی بلند را به هر افسار متصل میکنند و به صورت ایمن طناب ها را به پل میبندند. وقتی آن تمام شد، مرد و زن جوان بالا میروند، به روی

ریل پل، برای جمعیت پایین دست تکان میدهند و میپرنند.

No, this is not a suicide attempt. The **elastic** cords attached their backs are so strong and flexible that the young people will be able to drop close to the **canyon** floor below without hitting it. This Is bungee jumping, one of a new set of sports that are being described as "extreme."

نه این یک اقدام به خودکشی نیست. طناب های ارتجاعی متصل به پشت آنها بسیار محکم و قابل انعطاف هستند که جوانان قادر خواهند بود تا نزدیک کف دره سقوط کنند بدون آن که به آن برخورد کنند. این سقوط آزاد است، یکی از جدیدترین ورزش ها که به عنوان "افراطی" توصیف میشود.

Most people, if they're really honest with themselves, will admit they like sports at least little bit. When the first Olympic Games began in Greece in 776 B.C., something within the human **spirit** was tapped.

بیشتر مردم، اگر با خودشان واقعا صادق باشند، اقرار خواهند کرد که دست کم اندکی ورزش را دوست دارند. زمانی که اولین بازی های المپیک در سال ۷۷۶ قبل از میلاد در یونان آغاز شد، چیزی روح انسان را تحت تاثیر قرار داد.

Most of us like to be challenged, and many of us are at least **moderately** competitive. Sports provide benefits: they amuse and excite us, provide jobs for many people, and allow individuals who might not have other opportunities to

achieve success.

بیشتر ما دوست داریم به چالش کشیده شویم و بسیاری از ما دست کم مقدار متعادلی رقابتی هستیم. ورزش ها فوایدی فراهم میکنند: آن ها ما را سرگرم کرده و به هیجان می آورند، برای بسیاری از مردم شغل فراهم میکنند، و به افرادی که ممکن است فرصت های دیگری نداشته باشند اجازه میدهد به موفقیت دست یابند.

Although sports have long been popular, something significant has changed in the last ten to twenty years. A whole new set of sports has been created. They are called "extreme" because participants are pushing themselves to extreme (and even dangerous) levels.

با اینکه ورزش مدت های طولانی معروف بوده است، چیز قابل توجهی در ده تا بیست سال اخیر تغییر کرده است. یک دسته ی کاملاً جدید از ورزش ها ایجاد شده است. آن ها "افراطی" نام گرفته شدند چون شرکت کنندگان خودشان را به سمت سطوح افراطی (و حتی خطرناک) سوق میدهند.

Why do people participate in extreme sports? Mark Musgrave, an "extreme" sportsman who **windsurfs** all year around, says people do it because it's a question of attitude, not the activity per se. "These sports are so hard," says Musgrave, "they don't attract the masses; I think that's one of the appealing things about it. You can **excel** in it if you put your mind to it. There's not a thousand people out there crowding you or doing what you're doing."

چرا مردم در ورزش های افراطی شرکت میکنند؟ مارک ماسگریو، یک ورزشکار "افراطی" که کل سال را موج سواری میکند، میگوید مردم آن را انجام میدهند چون مساله نگرش است نه فعالیت به خودی خود. "این ورزش ها بسیار سخت هستند." ماسگریو میگوید، "آن ها انبوه مردم را جذب نمیکنند؛ فکر میکنم یکی از چیز های جذاب در موردش همین است. اگر ذهنتان را روی آن بگذارید میتوانید در آن برتری پیدا کنید. هزاران انسان آن بیرون اطراف شما را شلوغ نکرده اند یا آنچه شما انجام میدهید را انجام نمیدهند."

He adds, "There is no right. There is no wrong. There are no rules. You can do what you want and no one cares." So what are some of these new extreme sports? Musgrave's own sport of **windsurfing** is one, though **windsurfing** on a quiet summer day at a speed of 2 miles an hour hardly qualifies.

او اضافه میکند، "هیچ درستی وجود ندارد. هیچ غلطی وجود ندارد. هیچ قانونی وجود ندارد. شما میتوانید هر آنچه که میخواهید انجام دهید و هیچ کس اهمیتی نمیدهد." پس بعضی از این ورزش های جدید افراطی چه هستند؟ ورزش خود ماسگریو، موج سواری، یکی از آن هاست اگر چه موج سواری در روزی آرام تابستانی در سرعت ۲ مایل در ساعت واجد شرایط نیست.

If you want to become extreme, you'll have to travel much faster, above the water, with a much more powerful wind blowing while you're trying to do a forward **flip**.

اگر میخواهید افراطی شوید، باید خیلی تند تر حرکت کنید، بالای آب، با بادی که بسیار قوی تر

میوزد در حالی که سعی میکنید به سمت جلو پشتک بزنید.

Then there's mountain biking, although riding your mountain bike down a gentle **slope** at a leisurely speed doesn't make you an extreme biker. What does is piloting that bike down a **steep**, rocky mountain path at a speed of at least 35 miles per hour. You can also call yourself an extreme sports **enthusiast** if you ski off cliffs, jump out of a plane and sky surf, or go in-line skating.

سپس دوچرخه سواری در کوهستان وجود دارد، البته راندن دوچرخه ی کوهستانی تان در شیبی آرام با سرعتی آهسته شما را به یک دوچرخه سوار افراطی تبدیل نمیکند. چیزی که میکند، کنترل کردن همان دوچرخه در پایین رفتن از سرایشی تند، راه کوهستانی سنگی با سرعتی دست کم ۳۵ مایل بر ساعت است. شما همچنان میتوانید خود را یک علاقمند به ورزش افراطی بنامید اگر که شما روی صخره ها اسکی کنید، از هواپیمایی پرید و در هوا گشت و گذار کنید، یا در یک خط اسکیت کردن را انجام دهید.

By now, someone somewhere is probably mounting a campaign to make extreme sports safer to save extreme sports enthusiasts from themselves. Are these sports too dangerous? Perhaps. Even if they are, isn't a personal choice involved here?

تا کنون، احتمالاً فردی در جایی پویشی را پایه ریزی میکند تا ورزش های افراطی را امن تر کند تا علاقمندان به ورزش های افراطی را از خودشان مراقبت کند. آیا این ورزش ها بیش از حد خطرناک اند؟ شاید. حتی اگر هستند، آیا اینجا یک انتخاب شخصی دخیل نیست؟

It occurs to this writer that the development of extreme sports is understandable, even quite predictable. We live in such a **globalized, homogenized** world today that a **counterrevolution** seems to have started.

برای این نویسنده به نظر میرسد که توسعه ی ورزش های افراطی قابل درک و حتی کاملاً قابل پیش بینی اند. ما امروزه در دنیای جهانی شده و همگن شده ای زندگی میکنیم که یک انقلاب متقابل به نظر میرسد شروع شده باشد.

Wherever we go, we see sameness: a McDonald's in Moscow is only **marginally** different from one in Paris or in Pensacola, Florida. There seem to be far fewer singular, individualized experiences today than there were in the past. Maybe extreme-sport people are merely **striking a blow for** truly individualized and **unique** experiences.

ما هر جا میرویم، یکسان بودن میبینیم: یک مک دونالد در مسکو فقط اندکی از یکی در پاریس یا پنساکولای فلوریدا متفاوت است. به نظر میرسد امروزه تجربه های منفرد و شخصی خیلی کمتری از گذشته وجود داشته باشد. شاید ورزشکاران افراطی صرفاً برای تجربه های یکتا و به راستی شخصی شده از جنبشی حمایت میکنند.

New word: English explanation / معنی فارسی

Canyon: a long, narrow valley with very steep sides / دره تنگ و باریک، تنگه

Counterrevolution: a political movement or action that seeks to defeat a successful or attempted revolution / انقلاب متقابل، قیام بر ضد انقلاب

Deserted: abandoned place / متروک

Elastic: capable of returning to its initial form after being stretched or deformed / ارتجاعی

Enthusiast: a person intensely interested in or obsessed with a particular subject / مشتاق، هوا خواه

Excel: to do or perform better than others; surpass others / برتری

Flip: jumping and twisting movement / پشتک زدن در هوا

Globalized: make worldwide / تاثیر جهانی





Harness: a harness is a set of straps which fit under a person's arms and round their body to hold equipment or to prevent them from moving too much / افسار

Homogenize: made homogeneous; formed by blending dissimilar elements / یکجور و همجنس

Marginally: on the edge, on the border, or to only a small extent / در حاشیه

Moderately: to a medium degree / بطور میانه، با اعتدال

Slope: any surface having an incline / شیب دار، سرازیری

Spirit: the vital force that is thought to be an element of human beings; soul / روح، جان

Steep: having a sharp slope or incline / شیب تند

Strike a blow for sth: land a hit, strike / جانب داری کردن

Unique: being the only one of its type; sole / یگانه، یکتا

Windsurf: glide on water using a surfboard with an attached vertical sail / قایق

بادی سواری

@LinggoLearn

New word	Synonym	Antonym
Canyon	gut, bottleneck, strait	
Counterrevolution		
Deserted	abandoned, forsaken	
Elastic	resilient, springy, stretchable, flexible	inelastic, inflexible, rigid
Enthusiast	buff, fan, lover	
Excel	Surpass, outclass	
Flip	reverse	
Globalized	worldwide	
Harness	restraint, straps	
Homogenized	similar	
Marginally		
Moderately	mildly, deliberately, gently	
Slope	cant, inclination, incline, slant	
Spirit	Sole	
Steep		
Strike a blow for sth		

Unique	lone, one, single, singular, sole, solitary	conventional
Windsurf		

@LinggoLearn